



نابرابری اجتماعی و جرم: رمزگشایی یک انقلاب در فیلم برفشکن

۱- حمیدرضا دانش‌ناری*

استادیار گروه جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

✉ Daneshnari@um.ac.ir

۲- زینب خواجهی فخر داود

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

تاریخ ارسال: ۱۴۰۲/۰۷/۰۶	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۲۸
-------------------------	-------------------------

چکیده:

رویکردهای انتقادی، نابرابری اجتماعی را به مثابه یکی از علت‌های اصلی ارتکاب جرم محسوب بی‌عدالتی و تبعیض اجتماعی می‌دانند و ادعا می‌کنند ارتکاب جرم در قشر فرودست بیش از آن‌که ناشی از حالت خطرناک باشد، نتیجه ساختارهای جرم‌زا است. از این‌رو، پژوهش حاضر درصدد است تا با استفاده از روش نشانه‌شناسی فیسک در سه قالب رمزگان فنی، اجتماعی و ایدئولوژیک ارتکاب جرم را در پرتو نابرابری اجتماعی در فیلم برفشکن بررسی کند. یافته‌ها نشان می‌دهند رمزگان فنی به‌وسیله ابزارهای سینمایی، شکاف طبقاتی میان قشر فرودست و فرادستِ قطار را بازنمایی می‌کند. بر اساس رمزگان اجتماعی، فیلم برفشکن از یک‌سو، قشربندی اجتماعی در نظام سرمایه‌داری را در واگن‌های مختلف بازنمایی می‌کند و از سوی دیگر، نشان می‌دهد نابرابری اجتماعی و فشار عمومی به ارتکاب جرم و حتی وقوع شورش و انقلاب می‌انجامد. رمزگان ایدئولوژیک نیز ضمن تأکید بر تضاد طبقاتی و استعاره واگن به مثابه طبقه، بازتاب شکست انقلاب پرولتاریا است.

واژگان کلیدی: نابرابری، جرم‌شناسی انتقادی، طبقه، برفشکن، قشربندی، نظریه فشار

مقدمه

امروزه گسترش جوامع مبتنی بر نظام سرمایه‌داری، تمرکز بر مفهوم اقتصاد سیاسی، ریسک‌پذیری افراد در قبال ارتکاب جرم و پیوند بزه با مسائل زیبایی‌شناسانه موجب شده تا قرائت‌های کلاسیک تبیین‌کننده جرم با چالش مواجه شود. از این رو، پاسخ به پرسش‌های بنیادین در خصوص علت‌شناسی جرم، به‌سادگی اندازه‌گیری جمجمه بزه‌کاران و مشاهده ساختار جسمی آن‌ها نیست. در دهه‌های اخیر، چشم‌انداز انتقادی به جرم جایگزین الگوواره سنتی/پوزیتویستی/ جریان غالب شده و پیش‌فرض‌های موجود از جرم را دگرگون کرده‌است. مهم‌ترین دلیل مخالفت جرم‌شناسان منتقد با رویکرد جریان غالب از آن جهت است که این قلمرو، تأییدکننده تبیین پوزیتویستی جرم است و بزهکاری را به‌عنوان نتیجه آسیب‌شناسی فردی یا اجتماعی در نظر می‌گیرد (Artigo, 2019: 78). این در حالی است که جرم‌شناسی انتقادی چشم‌اندازی است که ریشه اصلی ارتکاب جرم را نابرابری طبقه‌ای، نژادی، قومی و مناسبات جنسیتی حاکم بر جوامع مختلف می‌داند (Dekeseredy, 2023: 28). از این رو، از یک‌سو، پیوند درک جرم با شرایط و ساختارهای اجتماعی، گرانیگاه جرم‌شناسی انتقادی است و از سوی دیگر، آن‌چه به‌عنوان جرم در نظر گرفته می‌شود، بسته به شرایط اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و تاریخی است.

به باور جرم‌شناسان منتقد گروه‌های قدرت و ثروت، تعاریفی از بهنجاری و انحراف ارائه می‌دهند که در راستای منافع آن‌ها است. بدین ترتیب، جرم یا رفتار مجرمانه، نمایان‌گر تضاد میان منافع اجتماعی، اقتصادی و سیاسی گروه‌های مختلف اجتماعی (Black, 2014: 2) و بازتاب مناسبات قدرت در فرایند جرم‌انگاری است (White, 2016: 11). به باور حامیان رویکرد تضاد، «متمرکز شدن قدرت و ثروت در دست طبقه کوچک سرمایه‌دار، پیامدهای خاص خود را در هر دو عرصه تعریف جرم و واکنش اجتماعی در برابر این پدیده در پی دارد» (Beigi & Negahdar, 2020: 64). تیلور، والتون و یانگ^۱ در کتاب «جرم‌شناسی نو» بر این امر تأکید می‌کنند که نظریه جرم و بزهکاری باید بتواند عمل کج‌روانه را بر اساس منشأ ساختاری تحلیل کند. در این شرایط، دولت و اقتصاد که نابرابری‌های ثروت، قدرت و اقتدار را ایجاد می‌کنند، باید در صدر تحلیل‌های جرم قرار گیرند (Taylor et al., 1973: 43)؛ زیرا حاکمیت با سازوکارهای مخصوص به خود رفتارهای طبقه نابرخوردار را آماج جرم‌انگاری قرار می‌دهد (Zare, 2016: 92). بر این اساس، موج اول جرم‌شناسی انتقادی بر این مینا استوار است که از یک‌سو، جرم توسط گروه‌های قدرت و ثروت تعریف می‌شود و از سوی دیگر، طبقه حاکم به صورت مستقیم بزهکاری را در قبال رفتارهای اکثریت تعریف می‌کند تا از این طریق آن‌ها را تحت کنترل داشته باشد (Young, 2011: 68). بدین‌سان، مفهوم نابرابری اجتماعی^۳ و طبقه^۴ گرانیگاه جرم‌شناسی انتقادی محسوب می‌شود.

نابرابری وضعیتی است که در آن افراد به‌صورت برابر به منابع، امکانات و خدمات مالی موجود در جامعه دسترسی ندارند (Lahsaiezade, 1995: 5). نابرابری میان طبقات و انباشت ثروت در یک قشر خاص از جامعه، منجر به تضاد منافع میان طبقه فرادست و فرودست می‌شود؛ زیرا طبقه مرفه برای حفظ جایگاه خود نیازمند تداوم شکاف طبقاتی است. در نتیجه، جرایم ارتكابی توسط قشر فرودست به مثابه واکنشی علیه تبعیض‌های اجتماعی و تضاد طبقاتی در نظر گرفته می‌شود. با وجود بحث‌های بسیار درباره مفهوم طبقه، جامعه‌شناسان تعریف واحد و روشنی از آن ارائه نکرده‌اند. در حالی که به باور عده‌ای، موقعیت اقتصادی افراد تنها عامل تعیین‌کننده طبقه اجتماعی آن‌هاست، اما برخی دیگر از پژوهشگران همچون وبر^۵ دو نوع گروه‌بندی اجتماعی دیگر بر پایه قدرت و حیثیت را مدنظر قرار داده‌اند. وبر نگاه تک‌بعدی به پدیدارهای اجتماعی را نتیجه ساده‌انگاری مسائل پیچیده می‌داند. با این حال، از نظر او، قشربندی یا تفکیک طبقاتی، تبلور و نشانه سازمان‌یافته نابرابری قدرت در جامعه است. به عبارت دیگر،

1. Taylor, Walton and Young
2. The New Criminology
3. Social Inequality
4. Class
5. Webber

رتبه‌بندی طبقاتی تبلور عنصر قدرت در عرصه اقتصادی است؛ بدین معنا که تمام افرادی که منافع و قدرت اقتصادی مشابه دارند، اعضای یک طبقه به حساب می‌آیند (Khoshrou & Rezaei Nasab, 2014: 84).

سینما با این که نسبت به دیگر هنرهای بشری، جوان‌تر و مدرن‌تر محسوب می‌شود، اما ارتباط تنگاتنگی با بطن جامعه و فرهنگ آن دارد (Danesh Nari & Nesari Javan, 2021: 132). در طول عمر ۱۳۰ ساله هنر هفتم، همواره رابطه دوسویه و متقابلی میان جامعه و آثار سینمایی وجود داشته‌است. از این‌رو، امروزه مطالعات سینمایی به شاخه‌ای نوپا و پراهمیت در علوم انسانی بدل شده‌اند؛ زیرا این محصول فرهنگی از طریق تولید و بازتولید معنا به مثابه کارآمدترین عرصه تولید فرهنگی معاصر، شناخت جهان اجتماعی، نگرش حاکم بر دوره‌های تاریخی، تحول زندگی انسان‌ها و تجربیات زندگی روزمره را بازنمایی می‌کند. بدین سان، با توجه به اهمیت مفهوم نابرابری اجتماعی و نقش آن در ارتکاب جرم و تبیین‌های سینمایی از موضوع نابرابری اجتماعی، این پژوهش درصدد است تا با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند به‌عنوان مرسوم‌ترین شیوه نمونه‌گیری در مطالعات کیفی، فیلم سینمایی «برف‌شکن»^۱ را مورد واکاوی قرار دهد. دلیل اصلی انتخاب هدفمند این فیلم ارتباط نزدیک آن با مفهوم نابرابری اجتماعی و جرم است. هم‌زمان، کسب ۳۵ جایزه بین‌المللی و نامزدی دریافت جایزه در ۱۰۸ جشنواره ملی و بین‌المللی، نشان‌دهنده اقبال تماشاگران، منتقدان و داوران نسبت به این فیلم است. فیلم برف‌شکن محصول کشور کره جنوبی با کارگردانی یونگ جون هو^۲ در ژانر درام و علمی-تخیلی ساخته شده‌است. برف‌شکن وضعیتی را بازنمایی می‌کند که در آن، به‌دلیل شکست آزمایش‌های مربوط به تغییرات اقلیمی، حیات بشری و جانوری زیر برف و یخ مدفون شده و سرمای غیرقابل تحمل سراسر کره زمین را فراگرفته‌است. در چنین شرایطی، تنها بازماندگان انسانی، مسافران قطاری هستند که در یک قطار بدون توقف روزگار می‌گذرانند. مالک و سازنده قطار ویلفورد^۳ است که در اولین واگن قطار - جایی که موتورخانه/موتور مقدس وجود دارد- زندگی و بر کل ساکنان حکمرانی می‌کند. با این حال، واگن انتهایی به عنوان نماد طبقه فرودست محل اعمال تبعیض‌ها و نابرابری‌ها است. به همین دلیل، کورتیس^۴ قهرمان فیلم تحت نفوذ رهبر معنوی خود گیلیام^۵ اقدام به شورش علیه طبقه حاکم می‌کند. این فیلم، با بهره‌گیری از زبان استعاره‌ای و نشانه‌های تصویری و زبانی، به نمایش نابرابری طبقه‌ای و ستیز میان طبقه‌های مختلف اجتماعی می‌پردازد. با توجه به وجود نمادهای متعدد و معانی ظریف در فیلم برف‌شکن، جهت بررسی رابطه میان نابرابری اجتماعی و جرم در این اثر از روش نشانه‌شناسی^۶ استفاده می‌شود. بدین ترتیب، هدف اصلی این پژوهش، واکاوی پیامدهای نظام طبقاتی و نقش نابرابری اجتماعی در ارتکاب جرم است که در قالب رمزگشایی نشانه‌های به‌کار رفته در فیلم برف‌شکن محقق می‌شود. پرسش اصلی این پژوهش آن است که چگونه نابرابری‌های اجتماعی برآمده از ساختار طبقاتی جامعه، منجر به ارتکاب جرم می‌شوند؟ فیلم برف‌شکن به مثابه اثری که ظهور و سقوط یک انقلاب را بازنمایی می‌کند، چگونه با خوانش‌های انتقادی از جرم پیوند می‌خورد؟ و در نهایت، چگونه طبقات فرادست از طریق ابزارگرایی کیفی به رفتارهای طبقه فرودست برچسب مجرمانه می‌زنند؟ جهت پاسخ به پرسش‌های فوق، پس از بیان روش‌شناسی تحقیق در قالب روش نشانه‌شناسی جان فیسک، چارچوب نظری و یافته‌های پژوهش در سه سطح رمزگان فنی، اجتماعی و ایدئولوژی بررسی و در نهایت، برآمد حاصل از این پژوهش مطرح می‌شود.

۱. روش شناسی

پژوهش حاضر با استفاده از روش نشانه‌شناسی جان فیسک در تلاش است تا نشانه‌ها، نمادها، پیام‌ها و دلالت‌های ضمنی فیلم برف‌شکن و ایدئولوژی مسلط بر آن را از منظر جرم‌شناسی انتقادی واکاوی کند. نشانه‌شناسی از جمله روش‌های علمی است که به‌عنوان یک نظریه شناخته می‌شود. دانشمندان بسیاری آن را علمی برآمده از ساختارگرایی و زبان‌شناسی دانسته‌اند که به مطالعه

1. Snowpiercer
2. Bong Joon-ho
3. Wilford
4. Curtis
5. Gilliam
6. Semiology

نظام‌های گوناگون علائم می‌پردازد (Nezakati & Derakhshe, 2011: 186). برخی دیگر آن را به‌عنوان زیرشاخه‌ای از زبان‌شناسی در نظر می‌گیرند که موجودیت علائم را در درون جامعه جستجو می‌کند (Strinati, 2005: 134). بر این اساس، نشانه‌شناسی از جمله روش‌های رویکرد تفسیری به علوم اجتماعی است که سعی دارد پیچیدگی و عمق معنای مستتر در متن را مطالعه کند. به بیان دیگر، «نشانه‌شناسی علمی است که به بررسی انواع نشانه‌ها، عوامل حاضر در فرایند تولید و مبادله و تعبیر آن‌ها و نیز قواعد حاکم بر نشانه‌ها می‌پردازد» (Khosravi Fasaei et al., 2020: 64). پژوهش‌گران این عرصه با استفاده از فنون کیفی می‌کوشند تا داده‌های غنی به لحاظ بار معنایی را از نظر ورود به دنیای ذهنی مؤلفان متن به دست آورند (Danesh Nari & Nesari Javan, 2021: 137). لذا، نشانه‌شناسی تلاشی برای شناخت معنا یا معناهای اثر (Jensen, 2002: 6) و راهی برای درک دلالت‌های آن است.

انتقال پیام در دنیای نشانه‌ها، زمانی صورت می‌گیرد که گروهی از جامعه این نشانه‌ها را به‌عنوان حامل معنای مشخص بپذیرند. از این‌رو، «در نشانه‌شناسی همه چیز از جمله، کتاب، فیلم سینمایی، عکس یا آگهی بازرگانی به‌صورت متنی در نظر گرفته می‌شود که دارای مجموعه‌ای از نشانه‌ها (موسیقایی، تصویری، زبانی و غیره) است» (Aghajani, 2008: 165). به عبارت دیگر، «هر واحد زبانی می‌تواند هم دلالت آشکار و هم دلالت ضمنی داشته باشد و معنا از طریق این دلالت‌ها ساخته می‌شود. دلالت آشکار، در واقع، معنای لغت‌نامه‌ای و آشکار است، اما دلالت ضمنی بر معناهای اجتماعی و فرهنگی توجه می‌کند» (Namvar & Bornasi, 2021: 157). نشانه‌شناسان به دنبال کنار زدن دلالت‌های ظاهری و دستیابی به دلالت‌های پنهان و ضمنی و مهم‌تر از آن، دستیابی به ایدئولوژی حاکم بر متن‌ها هستند. آن‌ها معتقدند «طبقات صاحب قدرت نه تنها بر تولید و توزیع کالا، بلکه بر تولید و توزیع عقاید نیز تسلط دارند» (Khosravi Fasaei et al., 2020: 65).

جان فیسک یکی از پیشگامان علم نشانه‌شناسی، ابزارهای مفهومی بسیار مهم را در اختیار متفکران نشانه‌شناس قرار می‌دهد. از نظر او، «هدف از تحلیل نشانه‌شناسانه فیلم‌ها، معلوم ساختن لایه‌های مختلف معنایی رمزگذاری شده اجتماعی و بازنمایی در ساختار برنامه‌ها است. نشانه‌شناسی هم به معنای صریح متون فرهنگی نظر دارد و هم به معنای ضمنی آن‌ها» (Akbari & Lotfi, 2018: 164). فیسک باور دارد «همه رمزها معنا را می‌سازند. او پیش از پرداختن به نشانه‌شناسی، اصرار دارد که ابتدا باید پیام شناخته شود. پیام صرفاً چیزی نیست که از فرستنده به گیرنده ارسال می‌شود. پیام برای نشانه‌شناسان، ساختی از نشانه‌هاست که از راه کنش متقابل با دریافت‌کنندگان، تولید معنا می‌کند» (Khosravi Fasaei et al., 2020: 64). این تولید معنا، در راستای تداوم و بازتولید فرهنگ اجتماعی مسلط است؛ زیرا «زبان به اشکال مختلف و در سطوح مختلف حامل ایدئولوژی است. بنابراین، رمز حلقه واسط بین پدیدآورنده، متن و مخاطب است؛ زیرا از طریق رمز است که پیوند درونی متن حفظ می‌شود و از راه همین پیوند درونی است که متون مختلف در شبکه‌ای از معانی به‌وجود آورنده دنیای فرهنگی با یکدیگر پیوند می‌یابند» (Khosravi Fasaei et al., 2020: 64). بر این اساس، فیسک مدل نشانه‌شناسی خود را در سه سطح ارائه می‌کند.

۱. سطح اول، بازنمایی (رمزگان فنی) است. این رمزگان ویژه هر نظام خاص و معین نشانه‌شناسی است. به‌عنوان مثال، علائم نوشتاری موسیقی (نت) که رمزگان تخصصی موسیقی هستند یا مواردی مانند حرکات دوربین و سکانس، تدوین و ... که رمزگان تخصصی سینما هستند، مهم‌ترین جلوه‌های رمزگان فنی می‌باشند.

۲. سطح دوم واقعیت (رمزگان اجتماعی) است. این رموز از زندگی اجتماعی یا فرهنگ سرچشمه می‌گیرد و در الگوهای رفتاری شناخته‌شده نظیر نحوه لباس پوشیدن، سخن گفتن، تزئین محیط و فضا نمود می‌یابد. به عبارت دیگر، در این سطح، واقع‌ای که قرار است از طریق رسانه نشان داده‌شود- مثل تصویری که در یک کتاب نشان داده می‌شود- پیشاپیش با رمزهای اجتماعی رمزگشایی شده‌است.

۳. سطح سوم رمزگان عقیدتی (ایدئولوژیک) است. رمزهای ایدئولوژی عناصر رمزگان فنی و اجتماعی را در مقوله‌های اجتماعی مانند فردگرایی، پدرسالاری، نژاد، طبقه اجتماعی، مادی‌گرایی، سرمایه‌داری و ... قرار می‌دهند. رمزهای انتزاعی ایدئولوژیک به‌صورت مجموعه‌ای از رمزهای اجتماعی عینی در یکدیگر ادغام می‌شوند. به عبارت دیگر، عینیت رمزهای اجتماعی تضمینی برای

حقیقی و طبیعی بودن رمزهای ایدئولوژیک است. باید توجه داشت که برخی از رمزهای ایدئولوژیک صریح‌تر از رمزهای دیگر هستند. رمزهایی مانند دلاوری، تبهکاری و جذابیت به طور نسبی آشکار و قابل قبول هستند اما رمزهای اجتماعی نژاد و اخلاق وضوح کمتری دارند (Boroujerdi Alavi & Arjmandfar, 2015: 122-124).

از نظر فیسک «سطوح سه‌گانه رمزگان به شیوه‌ای منسجم با یکدیگر ادغام می‌شوند و به وحدت می‌رسند و معنا را تولید و تقویت می‌کنند. در واقع، بخشی از ساختار رمزها به سطح متن، بخش دیگر به معنای اجتماعی و بخشی نیز به جنبه ایدئولوژیک مرتبط هستند. تولید معنا در مسیر حرکت در ساختار سلسله مراتبی این سطوح سه‌گانه است و بررسی نشانه‌شناختی رمزگان این وحدت را بازسازی می‌کند که ناشی از تأثیر شگرف رمزهای ایدئولوژیک بر آن است» (Namvar & Bornasi, 2021: 162). فیسک معتقد است «در هر فرهنگی، آنچه واقعیت تلقی می‌شود، محصول رمزگان همان فرهنگ است. بنابراین، واقعیت همواره از قبل رمزگذاری شده است و حقیقت محض وجود ندارد» (Fiske, 2001: 128).

۲. مبانی نظری پژوهش

با توجه به آن‌که موضوع پژوهش حاضر، بررسی رابطه میان نابرابری‌های اجتماعی، طبقه و جرم است، مهم‌ترین مبانی نظری پژوهش عبارتند از طبقه اجتماعی^۱، نابرابری اجتماعی و نظریه فشار^۲ که در ادامه بررسی می‌شوند.

۱.۲. طبقه اجتماعی

اندیشمندان و فلاسفه قرن‌ها پیش از شکل‌گیری جامعه‌شناسی مدرن به مفهوم طبقه اجتماعی توجه کرده‌اند، اما بررسی طبقه از منظر علمی به اواخر قرن بیستم برمی‌گردد. در جامعه‌شناسی تضاد، شیوه و مناسبات تولید مبنای تشکیل طبقات اجتماعی است و جامعه از دو طبقه بورژوازی (سرمایه‌دار) و پرولتاریا (کارگر) تشکیل یافته است. طبقه سرمایه‌دار مالک ابزار تولید و سرمایه است؛ در حالی که کارگر تنها بر کار خویش تملک دارد. هرچند این مکتب، «علاوه بر دو طبقه اصلی متعارض - طبقه کارگر و سرمایه‌دار- طبقات دیگری را نیز به رسمیت می‌شناسد، اما این طبقات به تدریج در دو طبقه اصلی مضمحل و جامعه به دو قطب کاملاً متضاد تبدیل می‌شود» (Khodabandelou, 1992: 37). به باور متخصصان جامعه‌شناسی تضاد، اختلاف میان این دو طبقه، صرفاً پایه اقتصادی دارد؛ زیرا وسایل تولید در اختیار طبقه فرادست است و به همین جهت اقتصاد و سیاست را آن‌ها اداره می‌کنند. تصویری که جامعه‌شناسی تضاد از جوامع مختلف ارائه کرد، در جامعه صنعتی اواسط قرن نوزدهم به صورت دقیق مصداق داشت، اما پیچیدگی و تنوع جوامع جدید، معادلات مذکور را برهم زده‌اند. البته این جهان‌بینی به این خاطر همچنان مهم است که اهمیت عوامل اقتصادی را در تشخیص طبقات اجتماعی به خوبی نشان می‌دهد (Laroque, 1979: 13). پیش‌بینی حامیان رویکرد تضاد این بود که با ایجاد شکاف گسترده طبقاتی، پرولتاریا در صورت داشتن آگاهی طبقاتی، دست به انقلاب توده‌ای می‌زند و طبقه سرمایه‌دار را سرنگون می‌کند، اما تجربه تاریخی در اتحاد جماهیر شوروی، عکس آن را ثابت کرد.

ماکس وبر^۳، جامعه‌شناس شهیر آلمانی، بر این باور است که «طبقات اجتماعی را نمی‌توان تنها بر پایه‌های اقتصادی به دو دسته برخوردار (مالکان وسایل تولید) و نابرخوردار (آن‌ها که فاقد وسایل تولید هستند) تقسیم کرد» (Kamali, 2000: 107)؛ زیرا پدیده‌های اجتماعی پیچیده‌تر از آن هستند که تنها با تکیه بر یک بُعد تفسیر شوند. وبر وضعیت اقتصادی را عامل اصلی تعریف طبقه می‌داند. او تعریف طبقه را صرفاً به حیطة فرصت اقتصادی فردی منحصر می‌کند و معتقد است افراد از نظر خانواده، شغل، سرمایه و منطقه محل سکونت یا به‌واسطه هر نوع عامل تعیین‌کننده دیگر فرصت‌های نامساوی در تملک اموال اقتصادی دارند که در تعیین وضعیت طبقاتی مؤثر است» (Ansari & Rabani, 2018: 43).

1. Social Class
2. Strain theory
3. Max Weber

۲.۲. نابرابری اجتماعی

یکی از مفاهیم اساسی در علوم اجتماعی و سیاسی، پدیده نابرابری است. تغییر و تحولات ساختار جوامع و نظام سیاسی آن‌ها در طول تاریخ، اندیشمندان را بر آن داشته تا هر بار تعریف متفاوتی از این مفهوم ارائه دهند. در تعاریف جدید «نابرابری اجتماعی، داشتن جایگاه‌های نابرابر اجتماعی و ساختاری، دسترسی به منابع و مزایای اجتماعی کمیاب هم‌چون ثروت، قدرت و منزلت از سوی افراد و گروه‌ها است که به نوبه خود بر حقوق، فرصت‌ها، پاداش‌ها و امتیازات آن‌ها اثر تعیین‌کننده دارد» (Yasouri et al., 2009: 223). سلسله مراتب قشربندی، به علت تسلط بر منابع مالکیت، قدرت و حیثیت، نابرابری‌های اجتماعی را میان قشرهای مختلف ایجاد می‌کنند. همچنین گفته شده است «نابرابری اجتماعی وضعیتی است که انسان‌ها در چارچوب آن دسترسی متفاوتی به منافع باارزش، خدمات و موقعیت‌های جامعه دارند. چنین نابرابری‌ای زمانی به وجود می‌آید که افراد و گروه‌ها یکدیگر را درجه‌بندی و سپس ارزیابی کنند. در واقع نابرابری اجتماعی به تفاوت‌های میان افراد یا جایگاه‌هایی که به صورت اجتماعی تعریف شده و افراد آن را اشغال کرده‌اند، اشاره می‌کند. از این‌رو، نابرابری اجتماعی تفاوت‌هایی هستند که بر نحوه زندگی افراد به‌ویژه بر حقوق، فرصت‌ها، پاداش‌ها و امتیازاتی که برخوردار می‌شوند، تأثیر می‌گذارند» (Khoshrou & Rezaei Nasab, 2014: 77).

عواملی هم‌چون تقسیم کار اجتماعی، اختلاف در توانایی‌های فردی و در نتیجه نقش‌ها و کارکردهای ناهمسان و انحصار منابع باارزش و کمیاب در دست صاحبان قدرت، می‌توانند به نابرابری اجتماعی منجر شوند (Khodabandelou, 1992). البته روشن است عوامل ایجادکننده نابرابری، از جامعه‌ای به جامعه دیگر تفاوت دارد. تعلق به یک جنسیت، مذهب، نژاد، قومیت یا طبقه اجتماعی خاص، بر میزان دسترسی افراد به منابع کمیاب و ارزشمند، یا به عبارت بهتر، میزان نابرابری، اثرگذار است. بدین‌سان، اصلی‌ترین عامل در ظهور نابرابری اجتماعی، نابرابری در منابع کمیاب و ارزشمند همچون مالکیت است. این نابرابری‌ها از طریق عواملی چون بیکاری، نداشتن درآمد ثابت، تقسیم کار نابرابر، نابرابری در دستمزد، شرایط کار نابرابر، عدم مهارت کافی برای اتخاذ شغل و... پدید می‌آید (Firozian, 2016: 6). نابرابری‌های گسترده، نه تنها موجب افزایش شکاف طبقاتی و حاکم شدن فقر بر جامعه می‌شود، بلکه رکود اقتصادی و افزایش نارضایتی‌های مردم را نیز به همراه دارد. این مسئله، بستری را برای پیدایش بسیاری از آسیب‌ها و نابهنجاری‌های اجتماعی فراهم می‌کند.

۳.۲. نظریه فشار

یکی از نظریه‌های تبیین‌کننده جرم نظریه فشار است که توسط رابرت کی. مرتون^۱ جامعه‌شناس و جرم‌شناس آمریکایی ارائه شده است. مرتون با استفاده از مفهوم بی‌هنجاری^۲ دورکیم^۳، جرم را پدیده‌ای جامعه‌شناختی و متأثر از ساختارهای فرهنگی و اجتماعی می‌داند. از دیدگاه او، ناهماهنگی میان اهداف فرهنگی مشخص و ابزارهای اجتماعی موجود، منجر به تولید بی‌هنجاری یا آنومی در جامعه می‌شود (Özbay, 2003: 60).

در هر جامعه‌ای با توجه به فرهنگ و ارزش‌های موجود، اهداف^۴ مشخص همچون ثروت، موفقیت‌های تحصیلی یا سیاسی، شهرت و... برای اعضای جامعه ترسیم شده است. در این بستر، سازوکارهای اجتماعی، افراد را تشویق می‌کنند که به اهداف مدنظر دست یابند. بدیهی است که جامعه باید ابزارهای مشروع و امکانات لازم را در اختیار اعضای خود قرار دهد تا به وسیله آن‌ها، دستیابی به هدف‌های مزبور امکان‌پذیر شود. بنابراین، در صورت وجود ابزارها^۵، همه افراد جامعه باید بتوانند به اهداف مورد انتظار دست پیدا کنند؛ اما در عمل این ابزارها برای همه اعضا به صورت یکسان موجود نیستند. نابرابری در توزیع درآمد، تبعیض طبقاتی، امکانات آموزشی ناعادلانه و نابرابری در فرصت‌های زندگی^۶ موجب می‌شود افراد متعلق به قشر فرادست شانس بسیار بیشتری برای

1. Robert K. Merton
2. Anomie
3. Émile Durkheim
4. Goals
5. Means
6. Life Chances

رسیدن به اهداف آن جامعه در اختیار داشته باشند. بنابراین، مرتون معتقد است «به علت عدم تناسب در رابطه بین اهداف و آرزوهای قانونی و وسایل و امکانات مشروع دستیابی به اهداف، جرم و انحراف به وجود می‌آید» (Najafi Abrand Abadi, 2011: 468). او در تبیین انگیزه‌های ارتکاب جرم، بر عوامل اقتصادی تمرکز می‌کند و معتقد است طبقات فرودست به دلیل دسترسی محدودتر به ابزارهای قانونی، جرایم بیشتری را مرتکب می‌شوند.

۳. یافته‌های پژوهش

در پرتو مبانی نظری ارائه‌شده و برمبنای روش نشانه‌شناسی جان فیسک، در این قسمت محتوای نشانه‌ها اعم از سکانس‌ها، دیالوگ‌ها، ایماژها و ... در سه سطح فنی، اجتماعی و ایدئولوژی، رمزگشایی و تحلیل می‌شوند.

۱.۳. رمزگان فنی

بونگ جون هو، کارگردان فیلم با بهره‌گیری از نورپردازی، طراحی لباس و صحنه‌پردازی به خوبی نابرابری میان طبقات را به تصویر کشیده‌است. رنگ‌های سرد و تیره، دیوارهای آهنین، فضای تاریک و غم‌بار حاکم بر واکن‌های انتهایی، تداعی‌کننده اسارت در نظام سرمایه‌داری است. قشر محروم جامعه، با چهره‌هایی افسرده و زنگار گرفته، چاره‌ای جز اطاعت از دستوره‌های سربازان ویلفورد ندارند. با نگاهی به عناصر صحنه در قاب دوربین مشخص می‌شود که زندگی روزمره طبقه فرودست استمرار تلاش برای زنده ماندن است. پوشش زمستانی قشر فرودست در برابر لباس‌های تابستانی قشر فرادست نشان می‌دهد که دمای هوا در واکن‌های انتهایی پایین است و انرژی زیادی صرف این واکن‌ها نمی‌شود. به موازات پیشروی کورتیس^۱ و یارانش، کارگردان با تغییر آگاهانه عناصر میزانشن همچون نورپردازی و طراحی صحنه، فضای حاکم بر تصویر را دگرگون می‌سازد. این تغییرات، به خوبی نظام قشربندی اجتماعی موجود در قطار را نشان می‌دهند. قشربندی از واژه Stratum در علم زمین‌شناسی برگرفته شده‌است که به معنای لایه‌ای از سنگ، خاک یا سایر مواد مشابه می‌باشد. افزودن واژه اجتماعی به قشربندی، نشانگر آن است که همان‌طور که لایه‌های مختلف زمین بر روی هم انباشته شده‌اند، انسان‌ها در گونه‌ای از موقعیت‌های اجتماعی قرار می‌گیرند که از بالا به پایین لایه‌بندی می‌شوند (Lahsaeizade, 1995: 7). از نظر وبر، با وجود آن که مالکیت نقش مهمی در توزیع امکانات عرضه‌شده به فرد یا طبقه دارد، اما قدرت^۲ و حیثیت^۳ نیز در این حوزه حائز اهمیت است (Tumin, 2021: 9). بنابراین وبر سه نوع قشربندی را از هم تفکیک می‌کند: «طبقات اجتماعی به معنای خاص، سلسله مراتب منزلت‌های اجتماعی و سلسله مراتب قدرت‌های سیاسی» (Firozian, 2016: 6).

در قطار برف‌شکن، سه نوع قشربندی به طور همزمان دیده می‌شوند؛ یعنی طبقه فرادست، در عین حال که تفوق و چیرگی سیاسی دارد، مالک همه منابع مادی است و به تبع از منزلت اجتماعی بالاتری هم برخوردار می‌باشد. این مسئله در سکانس‌های مواجهه ساکنان ابتدایی با کورتیس و همراهانش دیده می‌شود. به دلیل همین تفاوت در سلسله‌مراتب منزلت است که مسافران درجه یک، علی‌رغم آگاهی نسبت به شرایط موجود، علاقه‌ای به دنبال کردن اتفاقات مربوط به واکن‌های انتهایی ندارند. یکی دیگر از عناصر رمزگان فنی، زوایای دوربین و نقش آن در تولید معنا است. در این فیلم، اغلب سکانس‌ها با نمای متوسط یا مدیوم شات^۴ فیلمبرداری شده‌اند. نمای مدیوم به بیننده این امکان را می‌دهد که علاوه بر تمرکز بر چهره بازیگر، از محیط اطراف او نیز غافل نماند. همچنین در کانون تصویر قرار دادن کورتیس به نقش کلیدی و مهم او در این فیلم به‌عنوان رهبر انقلاب طبقاتی اشاره دارد. موسیقی متن، به فراخور نیاز سکانس‌ها تغییر می‌کند و در کنار آن، از صدای حرکت قطار به‌عنوان آوای غیرزبانی استفاده می‌شود. همچنین در مواردی، موسیقی جای خود را به سکوت می‌دهد تا بر اهمیت واقعه تأکید شود که از آن جمله می‌توان به

1. Curtis
2. Power
3. Prestige

سكانس تيراندازی به ساكنان واكن انتهايی اشاره كرد. علاوه بر آن، در تدوين فيلم، از يك سو، برای ايجاد شور و هيجان در مخاطب از روش تدوين تند و سريع و از سوی ديگر، برای بازنمايی تضاد طبقاتی و تعارض شخصيت‌های اصلی همچون ويلفورد و كورتيس از شيوه تدوين موازی استفاده شده است.

جدول ۱- نشانه‌های سطح نخست: رمزگان فنی

رمزگان فنی	رمزگشایی	ابزار
استفاده از نماي تعقیبی یا تركینگ شات در هنگام پیشروی به سمت موتور مقدس	همراهی با شخصیت اصلی داستان و تأکید بر نقش او به عنوان رهبر طبقه محروم	حرکت دوربین
استفاده از نماي متوسط یا مدیوم شات در واكن‌های انتهايی	بازنمايی خفقان حاكم بر طبقه نابرخوردار و القای حس تنگنا و اسارت	فاصله دوربین با سوژه
نمای درشت یا كلوزآپ در ساكنس‌های مربوط به كورتيس	بازنمايی احساسات كورتيس / تأکید بر اهمیت نقش بازیگر/ ايجاد همراهی و همدردی با قشر فرودست	فاصله دوربین با سوژه
تاریک بودن واكن‌های انتهايی قطار	نامیدی/ غم و افسردگی/ ناآگاهی از دنیای بیرون	نورپردازی
استفاده از نور سخت یا هارد لایت در واكن‌های میانی	تأکید بر بهره‌مندی طبقه برخوردار از نور آفتاب/ ايجاد فضایی خصم‌آمیز میان شورشیان و افراد ويلفورد	نورپردازی
استفاده از كودكان در نقش‌های تأثیرگذار	تأکید بر اهمیت نسل‌های آینده در بقای سیستم	انتخاب بازیگر
تنوع نژادی در همه طبقات	قشربندی اجتماعی بدون توجه به نژاد	انتخاب بازیگر
استفاده از روش تدوين موازی	تضاد طبقاتی و تعارض شخصیت‌های اصلی	تدوين

۲.۳. رمزگان اجتماعی

در شرایطی که گرم شدن کره زمین به تهدیدی جدی برای ساكنان کره زمین تبدیل شده‌است، دانشمندان ایده شلیک موشک‌های حاوی گاز خنک‌کننده CW-7 را برای نجات بشر پیشنهاد می‌دهند. در پی اجرای این عملیات، زمین در عصر یخبندان نوین فرو می‌رود و به محیطی غیرقابل سکونت تبدیل می‌شود. پس از این حادثه مرگبار، تنها کسانی زنده می‌مانند که می‌توانند خود را به قطار برف‌شکن برسانند؛ قطاری که توسط یک مهندس مبتکر به نام ويلفورد ساخته شده‌است. تسلط ويلفورد بر جان و مال مسافران، منجر به تمرکز قدرت مطلق در دست او شده‌است. ماکس وبر، توزیع نابرابر قدرت را منشأ شکل‌گیری قشربندی می‌داند و «قدرت را توانایی مردم برای دستیابی به اهداف خویش با وجود مقاومت دیگران تعریف می‌کند» (Lahsaiezade, 1995: 37). او سه نوع بنیان متمایز برای قدرت شناسایی می‌کند. نخست، دسترسی نابرابر به منابع مادی یکی از مبانی قدرت است. دوم، منبع قدرت تابعی از پایگاه و اعتبار اجتماعی است که به آن قدرت اجتماعی گفته می‌شود و سوم، گونه‌ای از قدرت متعلق به کسانی است که به‌وسیله نهاد دولت بر دیگران تفوق می‌یابند (Saunders, 2001:20). رمزگان اجتماعی فیلم نشان می‌دهد که ساكنان واكن ابتدایی قطار به مثابه قشر فرادست، هر سه منبع قدرت را در اختیار خود دارند.

طبقه‌بندی جوامع، یک پدیده جدید نیست، بلکه از زمان شکل‌گیری جوامع اولیه وجود داشته‌است. نخستین اسناد تاریخی به‌جامانده از انسان چند هزار سال پیش نشان می‌دهد که در میان بابلیان، ایرانیان، عبریان و یونانیان، نجیب‌زادگی از عوامل تعیین‌کننده پایگاه اجتماعی بوده و جامعه ترکیبی از اغنیا و فقرا، زبردستان و زیردستان و آزادمردان و بردگان بوده‌است. لذا، نابرابری یکی از جنبه‌های عمومی و همیشگی جوامع انسانی بوده و همه جوامع شناخته‌شده بشری به نوعی دارای سلسله مراتب بوده‌اند. طبقات اجتماعی دارای ارزش‌ها و اهداف مشترک خاص خود هستند. این ارزش‌ها و اهداف باعث می‌شود تا هر طبقه نسبت به مسائل انسانی و اجتماعی سوگیری خاص خود را داشته‌باشد. با وجود این قشربندی اجتماعی به صورت کلی‌تر به تفاوت‌های میان افراد اشاره می‌کند که بر نحوه زندگی آن‌ها، به‌ویژه حقوق، فرصت‌ها، پاداش‌ها و امتیازات اثرگذار است. به همین دلیل، یکی از مفاهیم اساسی در توصیف ساختار اجتماعی جامعه، نظام قشربندی اجتماعی است. جامعه‌شناسان قشر را گروهی از افراد می‌دانند

که حامی ارزش‌های مشترک هستند. با وجود این، معمولاً چند لایه یا قشر را که دارای مشابهت‌های زیاد هستند، طبقه می‌نامند. افراد جامعه در مناسبات متقابل خود با دیگران، آن‌ها را در موقعیت‌های بالا و پایین طبقه‌بندی می‌کنند. به همین دلیل، جامعه دارای بخش‌های مختلف و متشکل از قشرهای گوناگون است که با نظام سلسله‌مراتبی موجود جامعه مطابقت دارد (Danesh, 175: Nari et al., 2023). استعاره قطار در فیلم با بهره‌گیری از زبان نمادین به تشریح وضعیت جوامع امروزی در مقیاس خرد می‌پردازد. قطار سریع‌السیر که هیچ‌گاه متوقف نمی‌شود، نماد تمدن در حال پیشرفت انسانی است. با این حال، هر واگن با ویژگی‌های منحصر به فرد نماینده یک طبقه اجتماعی است. و بر طبقه را مجموعه‌ای از افراد می‌داند که فرصت‌های مشترکی در روابط بازار یعنی وضعیت خرید، درآمد و مصرف دارند (Webber, 1978: 96). این فرصت‌های مشترک، میان افراد هر طبقه همسانی‌های فراوانی ایجاد می‌کند؛ به طوری که هر طبقه طرز تفکر، سبک زندگی، نگرش‌ها، احساسات، رفتارها و واکنش‌های مخصوص به خود را دارد. از این‌رو، طبقه نه تنها ابزاری برای تحلیل اجتماعی است، بلکه مجموعه شرایط مادی زندگی انسان‌ها را دربرمی‌گیرد و الگوی موجودیت و هویت اجتماعی آن‌ها را ترسیم می‌کند (Abazari & Chavoshian, 2002: 8). واگن‌های قطار برف‌شکن، به‌طور افقی، از برخوردارترین طبقه تا محروم‌ترین قشر را به تصویر می‌کشند. در ابتدای قطار، مسافران درجه یک و افراد طبقه فرادست ساکن هستند که حتی نابودی کره زمین هم سبک زندگی آن‌ها را تغییر نداده‌است. در واگن‌های طبقه فرادست، همچنان لباس‌های گران‌قیمت و به‌روز دوخته می‌شود، سرآشپزها بهترین و باکیفیت‌ترین غذاها را طبخ می‌کنند، امکانات درمانی و بهداشتی به راحتی در دسترس است، خانم‌ها در سالن زیبایی برای مهمانی آماده می‌شوند، کودکان در واگن رنگارنگ و چشم‌نواز به تحصیل می‌پردازند و در وصف ویلفورد مهربان و بخشنده، سرود می‌خوانند.

با وجود این، شرایط در واگن‌های انتهایی متفاوت است. ساکنان انتهای قطار که همان قشر فرودست جامعه می‌باشند، کسانی هستند که بدون خرید بلیط به قطار پناه آورده‌اند و به همین دلیل مورد ظلم، ستم و تبعیض طبقه حاکم قرار می‌گیرند. هزاران نفر در فضای محدود با دیوارهای فلزی و با کمترین امکانات زندگی می‌کنند. خوراک آن‌ها ماده ژلاتینی نفرت‌انگیزی است که از سوسک تهیه می‌شود. افراد این طبقه جز سربازان با هیچ‌یک از افراد طبقات بالاتر در تماس نیستند و به همین دلیل، در انزوای اجتماعی قرار دارند؛ به‌ویژه اینکه در سرتاسر این واگن‌ها حتی یک پنجره هم وجود ندارد و ساکنان این واگن‌ها، هیچ شناختی نسبت به دنیای بیرون ندارند. هر از گاهی، سربازان ویلفورد، فرزندان خردسال مردم انتهای قطار را با خود می‌برند و دیگر از سرنوشت آن‌ها خبری نمی‌رسد. پس از آن که مأموران دو کودک را می‌ربایند، با مقاومت والدین آن‌ها مواجه می‌شوند. پدر یکی از کودکان، کفش خود را به سمت فرستاده ویژه ویلفورد پرتاب می‌کند. اهمیت جستار نابرابری اجتماعی، در پیامدهای ناگوار آن آشکار می‌شود. در جوامعی که امکانات آموزشی، بهداشتی، اقتصادی و رفاهی به‌صورت نابرابر توزیع شود، تحرک اجتماعی و بهبود موقعیت طبقاتی دشوار خواهد بود. این مسئله، باعث انزوا و ناامیدی قشر کم‌برخوردار می‌شود و در نهایت، به گسترش ستیز و تنش میان طبقات می‌انجامد. نابرابری شدید و غیرمنصفانه، اعضای جامعه را و می‌دارد تا برای کسب منفعت و بهبود موقعیت اجتماعی خود، از روش‌های نامشروع و غیرقانونی استفاده کنند و مرتکب جرم شوند. در این شرایط می‌توان گفت که واکنش‌های خشونت‌آمیز در برخی موقعیت‌ها، اجتناب‌ناپذیر جلوه می‌کنند. با توجه به آن که طبقه نابرخوردار فشار بیشتری را متحمل می‌شود، احتمال ارتکاب جرم توسط آن‌ها بیش از دیگر طبقات است (Nayebi et al., 2017: 38). در پی این رفتار پدر کودک، وزیر میسون^۱ به آخرین واگن قطار می‌آید تا ضمن مجازات مرد خاطی، جایگاه قشر فرودست را به آن‌ها یادآوری کند. او می‌گوید: «این یک کفش نیست، این یه بی‌نظمیه... نظم، سدی هست که جلوی سیاهی و سرما و مرگ رو می‌گیره. ما همه باید در این قطار زندگی، در بخش‌های خودمون بمونیم و در اینجا هرکسی باید حد خودش رو بدونه». در ادامه، او با تشبیه خود به کلاه و مردم طبقه فرودست به کفش بر لزوم استمرار نظام طبقاتی حاکم تأکید می‌کند.

نظریه فشار مرتون بیان می‌کند هنگامی که یک جامعه بر اثر فشارهای ایجاد شده ناشی از نابرابری، به وضعیت آنومیک (بی‌هنجاری) می‌رسد، اعضای آن از پنج شیوه مختلف برای سازگاری با ناهنجاری استفاده می‌کنند که عبارتند از اطاعت و پیروی^۱، نوآوری و ابتکار^۲، آیین‌گرایی^۳، انزوا و کناره‌گیری^۴ و سرکشی و عصیان‌گری^۵. موقعیت اجتماعی و اقتصادی افراد است که مشخص می‌کند آن‌ها چگونه به شرایط آنومیک پاسخ دهند (Deflem, 2018: 145). تبعیض طبقاتی پیامد ایجاد معیارهای رفتاری - هنجاری است که به نفع طبقات فرادست و به ضرر طبقات فرودست جامعه بر ساخته می‌شوند. جوامع سرمایه‌داری از طریق ایجاد طبقات اجتماعی نامتوازن به دنبال برتری دادن به اقشار خاص نسبت به دیگر طبقات جامعه هستند. در نتیجه تبعیض‌های طبقاتی، افراد طبقه حاکم از حداکثر امتیازات زندگی برخوردار می‌شوند. این در حالی است که افراد طبقات فرودست از چنین امتیازاتی بهره‌مند نیستند. بنابراین، زمانی که افراد طبقات فرودست از امکانات و امتیازات قانونی برای پاسخ‌گویی به امیال و اهدافشان برخوردار نیستند، مرتکب جرم می‌شوند. به همین دلیل است که مرتن در نظریه عمومی فشار، رفتار مجرمانه را نتیجه عدم تعادل و توازن میان اهداف فرهنگی و ابزارهای رسیدن به آن اهداف می‌داند. در چنین شرایطی، ساکنان واگن انتهایی سرکشی و عصیان را برمی‌گزینند. به همین دلیل، کورتیس و گیلیام به‌عنوان رهبران آن جامعه، در حال برنامه‌ریزی برای شورش علیه نظام طبقاتی و بهبود شرایط واگن‌های انتهایی هستند. به نظر می‌رسد شخصی ناشناس از واگن‌های ابتدایی، با نوشتن نامه‌های کوتاه و قرار دادن آن‌ها در قالب‌های پروتئین، قصد کمک به انقلاب را دارد. آخرین نامه، حاوی اسم یک زندانی معتاد است: نام گونگ مینسو^۶؛ طراح سابق درهای امنیتی قطار. کورتیس تصمیم می‌گیرد، در فرصتی مناسب با حمله به واگن بعدی، او را آزاد کند. در پی این اتفاقات و اطمینان از این حقیقت که اسلحه سربازان خالی است، کورتیس و همراهان انقلاب را شروع می‌کنند. با آزادسازی نام گونگ مینسو و دختر او از زندان، پیشروی بسیار راحت‌تر می‌شود. گونگ مینسو به شرط دریافت ماده مخدر کروئول، با کورتیس همراهی می‌کند و هدف و آرمان خاصی ندارد. پس از نبرد سهمگین میان مأموران حکومت و طبقه فرودست، کورتیس به قیمت از دست دادن دوست دیرینه‌اش، ادگار^۷ موفق می‌شود وزیر میسون را گروگان بگیرد. وزیر با کورتیس معامله می‌کند: کمک به کورتیس و شورشیان برای ادامه مسیر در قبال حفظ جان‌شان.

اولین تصویری که از طبقات برخوردار بازنمایی می‌شود، باغ زیبایی است که در زیر سایه درختان پرتقال آن، زنی با آسودگی خاطر مشغول بافتنی است. در ادامه، کورتیس و همراهان از گلخانه عبور می‌کنند. در واگن بعدی، آکواریوم حفاظت‌شده و سرشار از موجودات آبی متنوع قرار دارد. غذاهای دریایی با در نظر گرفتن توازن اکوسیستم و اندازه‌گیری دقیق تعداد ماهی‌ها پخته می‌شوند. یکی از ساکنان‌های بسیار مهم، ساکنان ورود شورشیان به کلاس درس است. کودکان طبقه برخوردار در محیطی امن و شاد مشغول بازی هستند. معلم آن‌ها از قطار نجات‌بخش و سازنده‌اش می‌گوید؛ قطاری که با طراحی پیشرفته و بی‌نظیر هرگز از حرکت نمی‌ایستد و بازماندگان بشریت را از سرمازدگی حفظ می‌کند. کودکان می‌دانند بهای بیرون رفتن از قطار یا متوقف کردن آن چیزی جز مرگ حتمی در سرمای سوزان زمین نیست. بنابراین، آن‌ها باید همیشه در سایه امنیت ویلفورد بمانند و قهرمان او باشند. پس از خارج شدن دانش‌آموزان از کلاس، معلم مدرسه به کورتیس و یارانش شلیک می‌کند و یکی از آن‌ها را به قتل می‌رساند. در همین زمان، افراد ویلفورد در واگن‌های انتهایی در حال قتل‌عام کردن مردم هستند.

تعقیب‌و‌گریزها و شورش و جنگ تا واگن اول ادامه پیدا می‌کند. در پی این نبردها، همه دوستان کورتیس کشته شده و تنها گونگ مینسو و دخترش زنده می‌مانند. پشت در واگن ویلفورد که موتور مقدس در آن تعبیه شده است، کورتیس از روزهای نخست سوار شدن به قطار می‌گوید: «در دو ماه اول، سربازان از دادن آب و غذا به ساکنان انتهایی خودداری می‌کردند تا جایی که مردم از

1. Conformity
2. Innovation
3. Ritualism
4. Retreatism
5. Rebellion
6. Namgoong Minsoo
7. Edgar

سر ناچاری، به آدم‌خواری روی آوردند». این کار با هدف کاهش جمعیت و برقراری توازن در قطار انجام شد. پس از مدتی، گیلیام در دفاع از یک نوزاد دست خود را قطع کرد و آن را به مردم گرسنه داد تا از کشتار بیشتر جلوگیری کند. این اقدام باعث ترویج روحیه فداکاری و از خودگذشتگی در طبقه فرودست شد. به همین خاطر است که بسیاری از افراد مسن انتهای قطار، دست و پای خود را از دست داده‌اند. پس از این مکالمات، گونگ مینسو از گشودن آخرین در خودداری می‌کند. وی راه نجات بشریت را در متوقف کردن قطار و بازگشت به زمین می‌داند؛ زیرا طبق مشاهدات او، یخ‌ها تا حدی ذوب شده‌اند و زمین در حال گرم‌شدن است، اما کورتیس با این کار موافق نیست. در میان این بحث و مشاجره، مأمور ویلفورد در را باز کرده، به گونگ مینسو شلیک می‌کند و از کورتیس می‌خواهد به دیدن ویلفورد برود.

روایاتی کورتیس با ویلفورد، از حقایق متعددی پرده برمی‌دارد. او از همکاری خود با گیلیام می‌گوید: «ابتدا و انتهای قطار باید با هم کار کنند». در سکانس پایانی مشخص می‌شود که تمام شورش‌های طبقه فرودست، با اراده حاکمیت و با هدف کنترل جمعیت صورت گرفته‌است. حتی، یادداشت‌های ارسالی از واگن‌های اول به واگن انتهایی و هدایت شورش توسط ویلفورد انجام شده است. همچنین در سکانس پایانی، علت ربایش کودکان طبقه نابرخوردار نیز مشخص می‌شود. کودکان به دلیل جثه ظریف برای ادامه حرکت قطار باید داخل محفظه بسیار کوچک در موتور مقدس بروند و با دست‌های خود مواد زاید آن را خارج کنند. این مسئله نماد تداوم حکومت و سلطه به‌وسیله زاد و ولد طبقات فرودست جامعه است: «خداروشکر که واگن انتهایی به‌طور مداوم برامون بچه تولید می‌کنه». ویلفورد به کورتیس نظم حاکم بر ساختار جامعه و اقدامات لازم برای حفظ آن را توضیح می‌دهد و او را برای جان‌نشینی خود برمی‌گزیند. کورتیس در ابتدا علاقه‌مند است تا این سمت را تصاحب کند، اما با مشاهده بهره‌کشی از کودکان و سوءاستفاده از آن‌ها به ویلفورد حمله می‌کند و قطار را متوقف می‌سازد. در پی این توقف ناگهانی، قطار از ریل خارج شده و زیر برف و یخ دفن می‌شود. کورتیس و بقیه بازماندگان قطار جان خود را از دست می‌دهند و تنها دو نفر موفق به خروج از قطار می‌شوند: تیم^۱، کودک داخل موتور و یونا^۲، دختر نوجوان گونگ مینسو.

جدول ۲- نشانه‌های سطح دوم: رمزگان اجتماعی

رمزگشایی	رمزگان اجتماعی
سرکوب و ارباب طبقه فرودست در جهت حفظ قدرت	نمایش در آهنین و اسلحه سرباز در شروع فیلم
افسردگی/ ناامیدی/ غم و انزوا/ عدم دسترسی به امکانات بهداشتی/ فقر	لباس‌های کهنه طبقه فرودست/ آلودگی دست‌ها و صورت‌ها
عدم دسترسی به منابع غذایی کافی و متنوع	قالب پروتئین تهیه‌شده از سوسک به عنوان غذای طبقات محروم
ثروت و شکاف طبقاتی	لباس بنفش رنگ و پالتوی گران‌قیمت وزیر میسون
تحقیر قشر فرودست/ تأکید بر اطاعت از ساختار طبقاتی	گذاشتن کفش روی سر مرد شورشی و تشبیه مسافران انتهایی به کفش
بهره‌گیری از اثر بازدارندگی عام مجازات‌ها برای جلوگیری از مبارزه و اعتراض	مجازات مرد شورشی در ملأ عام و قطع دست او
استفاده از باورهای مذهبی برای تحکیم سلطه	تأکید بر مقدس بودن موتور
جابجایی قدرت طبقاتی	قرار دادن کفش روی سر وزیر و خوراندن قالب پروتئین به او
نظارت دقیق بر تعداد مسافران و تلاش در جهت حفظ توازن	مواجهه با آکوریوم و تأکید بر حفظ توازن در اکوسیستم
نگه داشتن طبقات فرودست در جهل و ناآگاهی از محیط اطراف خود	عدم وجود پنجره در واگن‌های انتهایی
تداوم زندگی عادی و مرفه برای طبقه فرادست بدون توجه به طبقات پایین‌تر/ تأکید بر نابرابری و تبعیض طبقاتی	وجود دندان‌پزشکی، خیاطی، کافه، آرایشگاه و استخر در واگن‌های ابتدایی
ترسیم چهره‌ای نجات‌بخش و مهربان از ویلفورد	مدرسه و خواندن سرود توسط دانش‌آموزان
نظارت طبقه حاکم بر طبقه فرودست	عینک مادون قرمز نیروهای سرکوبگر
تأکید بر ساختار طبقاتی جامعه/ توجیه نابرابری و تبعیض بر مبنای منزلت اجتماعی	«من کلاه هستم، شما کفش هستید. جای من روی سره، جای شما زیر پا».
فساد رهبر معنوی طبقه محروم و همکاری او با طبقه حاکم/ خیانت طبقاتی	همدستی گیلیام با ویلفورد
کنترل و هدایت طبقه نابرخوردار از طریق تغذیه اطلاعاتی آن‌ها	انتقال پیام‌ها توسط قالب پروتئین/ وجود سرنخ در غذا
اتحاد طبقاتی و فداکاری ساکنان واگن‌های انتهایی برای نجات جان یکدیگر	قطع دست و پا در طبقه فرودست برای جلوگیری از آدم‌خواری
استفاده از قتل به عنوان روشی برای کنترل جمعیت و ایجاد توازن در قطار	«برای حفظ یک توازن مطلوب نیاز به راه‌حل‌های رادیکالی هست».

۳.۳. رمزگان ایدئولوژیک

برف‌شکن نقد نظام سرمایه‌داری را در هسته مرکزی خود قرار داده و با روایت یک داستان تخیلی در آینده، ساختار طبقاتی حاکم بر جامعه سرمایه‌داری را به چالش می‌کشد. در این قطار، انسان‌ها براساس دارایی‌های خود در ابتدای ورود به قطار، به سه طبقه مختلف تقسیم می‌شوند: «مسافران درجه یک، مسافران اقتصادی و مفت‌خورهای واگن انتهایی». حاکمیت درصدد است با تأکید بر خریدن بلیط توسط ساکنان واگن آخر، آن‌ها را مقصر وضع موجود معرفی کند. این امر، نظام سرمایه‌داری را از انتقاد مصون نگه می‌دارد؛ زیرا نظام قشربندی، افراد را با توجه به امتیازات موجود رتبه‌بندی می‌کند و آن‌ها را در طبقه متناظر جای می‌دهد (Ansari & Rabani, 2018: 2). با وجود این، در جامعه سرمایه‌داری، قشربندی بر اساس میزان ثروت افراد صورت می‌گیرد. کنار گذاشتن معیارهای قشربندی انتسابی همچون کاست، جنسیت، نژاد یا موقعیت خانوادگی و روی آوردن به ملاک‌های اکتسابی همچون تحصیلات، ثروت و درآمد در جوامع مدرن گرچه در بادی امر، عادلانه و منطقی به نظر می‌رسد، اما نحوه توزیع منابع و

امکانات موجود میان اعضای جامعه به گونه‌ای است که امکان جهش طبقاتی و آزادی عمل را از افراد سلب می‌کند. ترویج روحیه مصرف‌گرایی و هدف انگاری ثروت و سپس محدود کردن ابزارهای رسیدن به آن، منجر به ایجاد فشارهای روانی برای قشر فرودست جامعه می‌شود. از این‌رو، می‌توان گفت که واکنش‌های انتهایی موضوع ستم اجتماعی قرار می‌گیرند. در این بستر، ستم اجتماعی مفهومی است که رابطه بین دو دسته از افراد را توصیف می‌کند که در آن یک طبقه با سوء استفاده و استثمار سیستماتیک از طبقه دیگر سود می‌برد. ستم اجتماعی به نحوی در ساختار جامعه عمل می‌کند که اکثریت افراد جامعه نسبت به آن آگاه نیستند. این نوع ستم توسط طبقه حاکم، در بطن نهادها و ساختارهای جامعه مستتر می‌شود. ستم اجتماعی در دو سطح خرد و کلان نمود پیدا می‌کند. در سطح خرد این ستم در تعاملات متقابل افراد مستتر می‌شود اما در سطح کلان در بطن ساختار و نهادها جامعه نهادینه می‌شود. در نهایت، ستم اجتماعی از طریق پیوند سطوح خرد و کلان، تمایزات و تبعیض‌هایی را ایجاد می‌کند که در نتیجه آن طبقه فرودست جامعه متضرر و در نقطه مقابل، اقلیت فرادست جامعه منتفع می‌شوند. با این حال، ساختار اجتماعی ستم به نحوی است که افرادی که بر اساس طبقه ستم را تجربه می‌کنند، اغلب ایدئولوژی تولیدکننده ستم را درونی می‌کنند؛ بدین معنا که آن‌ها به این باور می‌رسند که نسبت به گروه‌های مسلط، پست‌تر و کم‌ارزش‌تر هستند.

یکی از واکنش‌های پنج‌گانه افراد نسبت به فشار، واکنش عصیان و سرکشی^۱ است. «عصیان‌گران با فرهنگ و ارزش‌های جامعه در تعارض هستند و به مخالفت با آن‌ها برمی‌خیزند» (Najafi Abrand Abadi, 2011: 429). هنگامی که نابرابری اجتماعی و تبعیض میان طبقات جامعه به بالاترین حد خود برسد، از یک‌سو، حکومت مشروعیت خود را از دست می‌دهد و از سوی دیگر، آگاهی طبقاتی^۲ افزایش می‌یابد. آگاهی طبقاتی، به معنای آگاهی فرد از جایگاه خود در ساختار طبقاتی است که ممکن است میان اعضای طبقه‌ای واحد مشترک باشد. این آگاهی، افراد را قادر می‌سازد تا در مخالفت با منافع طبقات دیگر گرد هم آیند. گرچه اعضای هر طبقه ممکن است آگاهی طبقاتی داشته باشند، اما این آگاهی به ویژه برای طبقه کارگر دارای اهمیت است؛ زیرا آن‌ها در قعر سلسله مراتب طبقاتی قرار دارند و دستیابی به اتحاد و همبستگی برای آن‌ها سرنوشت‌ساز است. در مجموع، ناراضی‌های عمومی به همراه شکل‌گیری آگاهی طبقاتی می‌تواند آغازگر یک تغییر ساختاری عظیم و به تعبیر دیگر، یک انقلاب پرولتاریایی باشد.

انقلاب کورتیس و یارانش از محروم‌ترین واکن قطار، استعاره‌ای از انقلاب پرولتری قشر فرودست جامعه است. با وجود این، تلاش برای دگرگونی معادلات قدرت، همواره با ارتکاب جرم همراه است. در همین راستا، کورتیس و همراهان برای پیشبرد انقلاب مرتکب جرایم مختلف می‌شوند. نظریه فشار در تحلیل جرایم قشر فرودست بر این ایده تأکید می‌کند که انسان‌ها ذاتاً منحرف نیستند، بلکه در اثر فشار ناشی از آمال و آرزوها از یک‌سو و عدم دستیابی به آن‌ها، از سوی دیگر، مرتکب جرم می‌شوند (Adabi, 2016: 257).

در نقطه مقابل، حکومت‌ها با اقدامات تهدیدآمیز مقابله خواهند کرد. مرسوم‌ترین روش برای مقابله با تهدیدهای سیاسی و اجتماعی، قانون‌گذاری به نفع صاحبان قدرت است. بدین ترتیب، جرم در رویکردهای انتقادی دیگر «یک رفتار ساده نقض قانون نیست، بلکه موضوعی است که از طریق فرایندهای تعامل، واکنش اجتماعی و قدرت برساخته می‌شود» (Sadeghi Fasaei & Parvin, 2011: 219). به عبارت دقیق‌تر، «ماهیت فرایند جرم‌انگاری، تبلور منافع گروه‌های قدرت در وضع قانون‌های جنایی و تداوم هژمونی طبقه فرادست است» (DeKeseredy, 2023: 8). نظام سرمایه‌داری، موجودیت خود را مدیون حفظ فاصله طبقاتی از طریق سرکوب طبقه فرودست جامعه است (Danesh Nari et al., 2023: 184). بر این اساس، طبقه حاکم به دنبال حفظ نابرابری‌های اجتماعی است؛ زیرا کسانی که از ابزارهای تولید سود می‌برند، به حفظ وضع موجود علاقمند هستند (Lahsaiezade, 1995: 25). از این‌رو، چون امیدی به اصلاح ساختار طبقاتی قطار نیست، برای حل مشکلات قشر نابرخوردار باید چاره دیگری جست.

کورتیس بنا دارد با تسلط بر موتور مقدس به مثابه استعاره‌ای از بالاترین سطح قدرت، نظام سرمایه‌داری را از میان بردارد؛ زیرا از نظر او، از یک‌سو، ساختار طبقاتی قطار منشأ نابرابری اجتماعی است و از سوی دیگر، یک جامعه بی‌طبقه، سطح بالاتری از رفاه و عدالت را برای همگان به ارمغان می‌آورد. با وجود آن‌که ویلفورد ساکنان واگن انتهایی قطار را در انزوای کامل قرار داده و از ورود هرگونه اطلاعات به آن جلوگیری می‌کند، اما اعضای طبقه فرودست از آگاهی طبقاتی برخوردارند. این امر موجب می‌شود تا هم‌بستگی و اتحاد میان ساکنان انتهایی قطار شکل گیرد. گذشته تاریک ساکنان قدیمی، یعنی اهدا کردن ارادی اعضای بدن برای تغذیه دیگران باعث شده تا در این طبقه روحیه ایثارگری و اتحاد حاکم باشد. مهم‌ترین مثال برای اثبات این امر مربوط به سکانشی است که گری^۱ برای محافظت از کورتیس جان خود را فدا می‌کند.

کارگزاران ویلفورد، همواره او را با صفت‌هایی چون الهی، بخشنده و رؤف یاد می‌کنند و موتور را مقدس می‌خوانند. به‌نظر می‌رسد یکی از روش‌های حفظ قدرت برای ویلفورد، تقدس‌گرایی در امر حکومت است. به همین دلیل، حکومت‌گرایی مقدس با دقت به کودکان در کلاس درس، در قالب سرود و نماهنگ آموخته می‌شود تا ایدئولوژی مسلط را در نسل‌های آینده بازتولید کند. با وجود این، خیانت گیلیام به طبقه فرودست و برنامه‌ریزی شورش توسط او و ویلفورد، نشان می‌دهد حتی بزرگ‌ترین انقلاب‌ها و شورش‌ها بدون اطلاع یا خواست طبقه حاکم و به طور غیرمنتظره رخ نمی‌دهند. کورتیس که قصد دارد برخلاف سیستم موجود انقلاب کند و ساختار جامعه را تغییر دهد، خود مهره‌ای از همان سیستم است و بدون اینکه مطلع باشد در جهت منافع و خواسته‌های ویلفورد گام برمی‌دارد؛ زیرا قتل عام طبقه فرودست با کمک ناخواسته کورتیس انجام می‌شود. پایان باز فیلم این اجازه را به مخاطب می‌دهد تا آخر داستان را بر اساس برداشت خود خاتمه دهد. در نگاه خوش‌بینانه، زنده ماندن تیم و یونا نویدبخش ادامه حیات بشری در خانه خود است. آن‌ها می‌توانند جامعه‌ای تشکیل دهند که آرمان‌های بشری همچون عدالت و برابری را محقق می‌کند. اما از نگاه دیگر انقلاب کورتیس همچون نمونه‌های واقعی آن در کشورهای کمونیستی، نتیجه‌ای جز کشتار و تخریب به‌بار نمی‌آورد. در پی منفجر شدن قطار، تمامی طبقات جامعه از بین می‌روند. اگرچه تیم و یونا از حادثه جان سالم به در می‌برند اما با نگاهی به محیط کوهستانی و یخ‌زده اطراف، وجود حیوانات درنده و خردسال بودن بازماندگان، می‌توان مرگ قریب‌الوقوع آن‌ها را پیش‌بینی کرد.

جدول ۳- نشانه‌های سطح سوم: رمزگان ایدئولوژیک

رمزگان ایدئولوژیک	مفهوم اصلی	دسته‌بندی مفاهیم ^۲
تأکید بر ساختار طبقاتی جامعه	استبداد و ظلم/ فاصله طبقاتی/ واگن به مثابه طبقه	
نابرابری اجتماعی و تضاد منافع طبقه‌ها	اتحاد و هم‌بستگی طبقاتی/ قشربندی اجتماعی/ تبعیض و ستم اجتماعی	
نقد نظام سرمایه‌داری	آگاهی طبقاتی/ از خودبیگانگی/ طبقه‌گرایی	
انقلاب پرولتاریا و شورش علیه طبقه حاکم	عصیان و سرکشی/ فشار عمومی/ مرگ	
شکست خوردن انقلاب	هدایت شورش توسط طبقه حاکم/ تبانی پدر معنوی شورش با ویلفورد/ توازن جمعیت به مثابه هدف اصلی شورش	

1. Grey

۲- مراد از «دسته بندی مفاهیم»، تمام مفاهیم دیگری است که کارگردان برای اثبات مفهوم اصلی از آن‌ها کمک گرفته است.

نتیجه‌گیری

گرچه مفاهیم طبقه و سرمایه‌داری، درون‌مایه بسیاری از آثار بونگ جون هو کارگردان پرآوازه کره‌ای است؛ اما در فیلم برف‌شکن، این مضمون‌ها آشکارتر و نمایان‌تر هستند. او برای بازنمایی صریح این واقعیت‌ها، از استعاره واگن به مثابه طبقه بهره‌جسته است. در این قطار، هر یک از اعضا، در واگن مربوط به خود ساکن‌اند و جابجایی افراد صورت نمی‌گیرد؛ زیرا: «کفش به روی سر تعلق ندارد، به زیر پا تعلق دارد». هر گونه تغییر و جابجایی طبقاتی در این قطار نیز تحت اراده و در جهت منفعت واگن‌های ابتدایی اتفاق می‌افتد. همچنین، گرچه به آخرین واگن، به چشم بار اضافه و اسباب زحمت نگریسته می‌شود، اما در حقیقت تمام مسافران ادامه حرکت قطار را مدیون این طبقه‌اند. این کودکان طبقه فرودست هستند که تبدیل به ابزاری برای حفظ این نظام شده‌اند و موتور را از خاموشی مصون نگه می‌دارند. در ازای این مسئولیت سخت و بسیار مهم، پاداشی به آن‌ها داده نمی‌شود؛ در حالی که طبقه فرادست بدون اینکه فایده‌ای برای بشریت داشته باشند، بیشترین پاداش‌ها را دریافت می‌کنند. نابرابری برآمده از چنین ساختاری، منجر به وقوع انقلاب پرولتاریا می‌شود؛ یک واکنش قابل پیش‌بینی که با نظریه فشار رابرت مرتون همخوانی دارد.

هنگامی که شکاف طبقاتی و تفاوت در دسترسی اعضای جامعه به ابزارهای مشروع، به طرز چشم‌گیری افزایش یابد، نرخ بالای ارتکاب جرم در اقصاء کم‌برخوردار دور از انتظار نخواهد بود. قرائت‌های پیشین جرم‌شناسی که با نگاهی جزئی و عینی، بر شخص مجرم و حالات جسمانی، روانی و اجتماعی او تمرکز می‌کردند، با واقعیت‌های جهان امروز سازگار نیستند. طبق نظریات جدید، در قضاوت اخلاقی از پدیده جرم، انگشت اتهام باید پیش از نشانه رفتن به سوی شخص مجرم، به صاحبان قدرت و ثروت اشاره کند. بنابراین، برای مبارزه با بزهکاری در جامعه، به جای به‌کارگیری روش‌های فردمحور بهتر است با رویکردهای ساختارمدار درصدد ریشه‌کن کردن علت‌های اصلی جرم برآمد.

یافته‌های حاصل از نشانه‌شناسی فیلم برف‌شکن نشان می‌دهند که هدف کارگردان نقد سرمایه‌داری و ارزش‌های آن است، اما نگاه او مطلق است؛ زیرا کورتیس، انقلاب خود را با در نظر گرفتن همه خطرات و کشتار وسیع قریب‌الوقوع، همچنان در اولویت قرار می‌دهد. به عبارت دیگر، او نابودی کل بشریت را بهتر از زندگی زیر سایه یک نظام فاسد و دیکتاتوری می‌داند. بونگ جون هو همچنین در سکانس مدرسه به بازآفرینی ایدئولوژی طبقه حاکم در راستای تداوم سلطه آن‌ها اشاره می‌کند. آموزگاران به نسل آینده می‌آموزند تنها راه نجات و زنده ماندن فرمانبرداری از قوانین موجود است: «اگر موتور از کار بیفته چی میشه؟ ما همه یخ می‌زنیم و می‌میریم».

گرچه فیلم‌های متعددی، نظام سرمایه‌داری را در معرض انتقاد قرار داده‌اند، اما هیچ‌یک از آن‌ها راه‌حل مؤثر و کارآمدی برای برون‌رفت از این مشکل پیشنهاد نکرده‌اند. برف‌شکن نیز از این قاعده مستثنی نیست. این فیلم با اعتراض به ساختار موجود، انقلاب سوسیالیستی را نیز محکوم به شکست می‌داند و در عین حال، راهکار سومی ارائه نمی‌دهد. تجربه تاریخی نشان داده است هیچ‌کدام از سیستم‌های سوسیالیستی یا کاپیتالیستی، قادر به حل چالش‌های جوامع انسانی نبوده و نرخ ارتکاب جرم را کاهش نداده‌اند. از این‌رو، بشر به اندیشه‌های جرم‌شناسان و جامعه‌شناسان نیاز دارد تا روش‌های کارا تر در حوزه کنترل جرم ارائه دهند.

References:

- Abazari, Y. Chavoshian, H. (2002). From Social Class To Lifestyle, Modern Approaches In The Sociological Analysis Of Social Identity, *Social Science Journal*, 10(20), 3-27. [In Persian]
- Adabi, H. (2016). *Criminal Sociology*, Tehran: Majd. [In Persian]
- Aghajani, Z. (2008). Semiotic Analysis Of The Film Not Without My Daughter, *Literary Criticism*, 1(1), 163-224. [In Persian]
- Akbari, K. Lotfi, B. (2018). Semiotic Analysis Of Advertising In Irib Tv From Lifestyle Perspective, *Quarterly Scientific Journal Of Audio-Visual Media*, 12(27), 149-186. [In Persian]
- Ansari, A. Rabani, R. (2006). *Sociology Of Strata And Social Inequalities*, Isfahan: Isfahan University; Tehran: Samt. [In Persian]

- Arrigo, B. A. (2015). Postmodern Criminology on Race, Class, and Gender. In Race, gender, and class in criminology (pp. 73-89). Routledge.
- Beigi, J. Negahdar, I. (2020). The Criminological Doctrines and Criminal Policy Models in Animal Castle Novel. *Criminal Law Research*, 11(2), 53-82. DOI:10.22124/JOL.2020.13272.1708
- Black, P. (2013). Conflict Theories of Crime. In *The Encyclopedia of Criminology and Criminal Justice* (pp. 1-5). Wiley. <https://doi.org/10.1002/9781118517383.wbeccj322>
- Boroujerdi Alavi, M. Arjmandfar, F. (2015). Semiotics Of The Illustrations In Primary School Farsi And Social Instructions' Textbooks, *Educational Innovations*, 14(54), 117-139. [In Persian]
- Danesh Nari, H. Khosravi, P. Jomegi, F. (2023). Evaluating The Concept Of Social Class In Critical Criminology Qualitative Content Analysis Of "Platform" Movie, *Criminal Law And Criminology Research*, 11(21), Pp. [In Persian]
- Danesh Nari, H. Nesari Javan, E. (2021). The Semiology Of Women Victim's Image In Iranian Films, *Criminal Law Research*, 12(2). Pp. [In Persian]
- Deflem, M. (2017). Anomie, strain, and opportunity structure: Robert K. Merton's paradigm of deviant behavior. *The Handbook of the History and Philosophy of Criminology*, 140-155.
- Dekeseredy, Walter S. (2023). *Contemporary Critical Criminology* (Rayejian, M. Danesh Nari, H. Trans.). Tehran: Dadgostar Publications. [In Persian]
- Firozian, S. (2016). Examining The Association Between Inequality And The Emergence Of Social Classes, *International Conference On Research In Science And Technology*. [In Persian]
- Fiske, J. (2001). *Television Culture* (Broumand, M. Trans.), Arghanoun, (19), 125-142. [In Persian]
- Jensen, Anthony F. (2002). *Postmodernism: Postmodern Art* (Godarzi, M. Trans.), Tehran: Asr-E-Honar. [In Persian]
- Kamali, A. (2000). *An Introduction To Sociology Of Social Inequalities*, Tehran: Samt. [In Persian]
- Khodabandelou, S. (1992). *Sociology Of Strata And Social Inequalities*, Mashhad: Jdm Publications. [In Persian]
- Khoshrou, Z. Rezaei Nasab, Z. (2014). A Comparative Study Of Karl Marx And Max Weber's Opinions And Ideas In The Field Of Social Inequality, *Economic Journal*, 14(7-8), 73-90. [In Persian]
- Khosravi Fasaee, A. Tajik Esmaeili, S. Torbati, S. Niromand, L. (2020). Representation Of Communication Skills In Iranian And Non-Iranian Animations From A Gender Stereotype Perspective, *Women Studies*, 11(32), 59-76. [In Persian]
- Lahsaezade, A. (1995). *Social Inequality And Stratification*, Shiraz: Shiraz University Pub. [In Persian]
- Laroque, P. (1979). *The Social Classes* (Ali Abadi, I. Trans.), Tehran: Farvardin Pub. [In Persian]
- Najafi Abrand Abadi, A. (2011). *Presentations Of Criminal Sociology* [In Persian]
- Namvar, Z. Bornasi, A. (2021). Semiotically Analyze Of Noon.Kh. Comedy Tv Series, *Quarterly Journal Of Media Scientific-Promotional*, 32(2), 180-153. [In Persian]
- Nayebi, H. Moidfar, S. Serajzadeh, H. Faizi, I. (2017). Anomie Theory Of Durkheim And Merton, Similarities, Differences And Methods Of Measurement, *Social Welfare Quarterly*, 17(66), 9-52. [In Persian]
- Nezakati, F. Derakhshe, J. (2011). Decoding The Myth In Symbolic Systems, *Culture-Communication Studies*, 12(13), 185-202. [In Persian]
- Özbay, Ö. (2002). Merton's strain theory: Evidence from the high schools in Ankara (Doctoral dissertation, Middle East Technical University. Department of Sociology).
- Sadeghi Fasaee, S. Parvin, S. (2011). Crime :A Construct of Mentality, Discourse, And Power, *Public Law Research*, 13(33), 213-234. [In Persian]
- Saunders, P. (2006). *Social Class and Stratification*. Routledge.<https://doi.org/10.4324/9780203129715>
- Strinati, D. (2005). *An Introduction To Theories Of Popular Culture* (Paknazar, T. Trans.), Tehran: Gam-E-Nou Publications. [In Persian]
- Taylor, I; Walton, P; Young, J. (1973) *The New Criminology: For a Social Theory of Deviance*, London: Routledge & Kegan Paul Books.
- Tumin, M. (2021). *Social Stratification: The Forms And Functions Of Inequality* (Nikgozar, A.), Tehran: Tootia. [In Persian]

- Weber, Max (1978), *Economy and Society*, edited by Gunther Roth and Claus Wittich, Vol 2, California: University of California press.
- White, Rob (2016). *Transnational Environmental Crime: Toward An Eco-Global Criminology* (Danesh Nari, H. Trans.), Tehran: Mizan Publication. Second Edition [In Persian].
- Yasouri, M. Sadeghi, Khoshrou, (2009). Inequality; Its Causes, Qualities And Consequences, *Political-Economic Information*, (265-266), 218-229. [In Persian]
- Young, J. (2011) *The Criminological Imagination*, Cambridge: Polity Press.
- Zare Mahdavi, G; Danesh Nari, H. (2016). *International Security And Environmental Crime*, Tehran: Mizan Publication. [In Persian]